

**The effect of modernization and modernization on the lifestyle
of two generations (parents and children) in Kurdistan province
(Case study of Bijar city)**

Soraya Ghazi¹
Mostafa Azkia²
Sasan Vadia³

Received Date : 9 Dec 2021
Reception Date : 22 Feb 2022

Abstract

Given that the Iranian society in dealing with modernization and modernity in various dimensions has not been prepared and in accordance with its basic needs, so the pace of change in various dimensions has not progressed in a harmonious and balanced way. It has also led to a generation gap (the first generation and the second generation) in Bijar society. This generational difference had also affected the lifestyle of parents and children. Therefore, the present study was conducted with the aim of the effect of modernization and modernization on the lifestyle of parents and children in Kurdistan province. In this study, the theories of Lerner, McClelland, Smith and Incles, Sharma and Turner, Bourdieu and Goffman have been used. The research method is causal-comparative. The statistical population includes parents and children of homeless people (children living with their parents), of course, parents in the age range of 40 to 60 years and children in the age range of 15 to 30 years. Multi-stage cluster random sampling method was used to select the studied samples. The number of

¹ . PhD Student in Sociology of Economics and Development, Central Tehran Branch, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² . Professor of Sociology, Science and Research Branch, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Correspondng Author) mostafa_azkia@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

samples was estimated to be 768. Data were collected from a researcher-made questionnaire. The validity and reliability of the measuring instrument were confirmed. The relationships between the variables were tested using Amos software and structural equation modeling. The results showed that modernity and modernization have affected the lifestyle according to the role of generation (parents and children)

Keywords: lifestyle, generation, modernity, modernization, Bijar, development.

تأثیر نوگرایی و نوسازی بر سبک زندگی دو نسل (والدین و فرزندان) در استان کردستان (مطالعه موردی به شهرستان بیجار)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

ثریا قاضی^۱

مصطفی ازکیا^۲

ساسان ودیعه^۳

چکیده

با توجه به اینکه جامعه ایران در برخورد با نوسازی و نوگرایی در ابعاد مختلف با آمادگی و مطابق با نیازهای اساسی اش روبرو نشده است، لذا آهنگ تغییرات در ابعاد های مختلف به شکل هماهنگ و موزون پیش نرفته است. هم چنین این امر منجر به ایجاد شکاف نسلی (نسل اولی ها و نسل دومی ها) در جامعه بیجار شده است. این اختلاف و شکاف نسلی بر سبک زندگی والدین و فرزندان نیز تاثیر گذاشته بود. از این رو، تحقیق حاضر با هدف تاثیر نوگرایی و نوسازی بر سبک زندگی والدین و فرزندان در استان کردستان به انجام رسیده است. در این پژوهش از نظریه های لرنر، مک کله لند، اسمیت و اینکلس، شارما و ترنر، بوردیو و گافمن

۱. دانشجوی دکترا جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
نویسنده مسئول) Mostafa_azkia@yahoo.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

استفاده شده است. روش تحقیق علی-مقایسه ای است. جامعه آماری شامل والدین و فرزندان بیجاری است، (فرزندانی که با والدین خود زندگی می کنند) که البته والدین در بازه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال و فرزندان در بازه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال مورد مطالعه قرار گرفته اند. برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای استفاده گردید. تعداد نمونه ها معادل ۷۶۸ نفر برآورد گردید. از پرسشنامه محقق ساخته داده ها گردآوری شد. روایی و پایایی ابزار اندازه گیری مورد تایید قرار گرفت. با استفاده از نرم افزار Amos، و مدل معادلات ساختاری روابط بین متغیرها آزمون شد. نتایج نشان داد، نوگرایی و نوسازی بر سبک زندگی با توجه به نقش نسل (والدین و فرزندان) تاثیر گذار بوده است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، نسل، نوگرایی، نوسازی، بیجار، توسعه.

مقدمه و بیان مسئله

سبک زندگی به عنوان یکی از مفاهیم مرتبط با زندگی روزمره مفهوم وسیع و گسترده ای است که بدون مشخص کردن شاخص‌ها و مؤلفه‌های ویژه آن قابل فهم نیست. به همین دلیل برای مشخص شدن این مفهوم، باید شاخص‌های آن مورد توجه قرار گیرد. یکی از مولفه‌های سبک زندگی "آمادگی‌ها یا تمایلات نیازی" است که پارسونز این امر را منشاء هر رفتاری می‌داند (گی‌روشه، ۱۳۷۶). مقوله بعدی مدیریت بدن است که در اصطلاح گیدنز (۱۹۹۰) به پروژه ای تاملی^۱ تبدیل شده است. بوردیو، هدف آن را اکتساب منزلت، تمایز و پایگاه می‌داند. وی در تحلیل خود از بدن به کالایی شدن بدن در جوامع مدرن اشاره می‌کند که به صورت سرمایه فیزیکی ظاهر می‌گردد (شیلینگ، ۱۹۹۳: ۱۲۷). هم‌چنین مصرف فرهنگی، سبک زندگی ما و شکل نیازها و تمایلاتمان را سامان می‌دهد و مواد لازم را برای تولید تخیلات، رویاهایمان و فراغت مدرن را فراهم می‌کند. (غیاثوند، ۱۳۹۰: ۳۲ به نقل از استوری، ۱۹۹۹). فراغت مدرن، بیشتر مبتنی بر الگوهای جدید زندگی است (مهدوی و مولایی، ۱۳۸۱: ۵). به علاوه، مدرنیته روابط بین شخصی، سازمان‌دهی روابط در خانه و بیرون از آن را تحت تأثیر قرار داده است (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۸۹).

جامعه ایران تا حدود یک قرن پیش دارای فرهنگی دو بعدی شامل فرهنگ ایرانی - اسلامی بود. اما در اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی با اشاعه و اقتباس برخی عناصر فرهنگی غرب به یک فرهنگ سه بعدی ایرانی، اسلامی و غربی تبدیل شد که پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاصی را نیز به دنبال داشت. این دگرگونی فرهنگی، تدریجی است؛ و آن بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است، از این‌رو، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند، درحالی‌که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ داشته، با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگتر، جهان‌بینی متداول در این جوامع

^۱ Reflexivity

دگرگون شده است. سبک زندگی مقوله‌ای برساخت و سیال است که تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی هر جامعه‌ای اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد. فرایند نوسازی و نوگرایی میدان انتخاب را برای زنان به ویژه دختران جوان گسترش داده و باعث بازتولید و تغییر درسبک زندگی شده است. به عقیده تاجیک، نوسازی اجتماعی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر فرهنگ جدیدی را به ارمغان می‌آورد که عاملان و حاملان مستقیم و بلافصل آن نسل‌های جوان جامعه اند. این فرهنگ جدید دقیقاً در مرکز ثقل و نقطه وقوع شکاف و فاصله نسلی قرار دارد. شهرنشینی یکی از ویژگی‌های مهم نوسازی اجتماعی است که با شکل‌دهی نظام فکری و رفتاری خاص خود تضادهایی را بین نسل‌های قدیم و جدید ایجاد می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷-۴۳). آزاد ارمکی (۱۳۸۹) معتقد است هر نسل با توجه به درکی که از اوضاع و موقعیت‌های اطراف دارد هویتی مستقل می‌یابد و در عین حال نیز به لحاظ حضور همزمان رابطه تعاملی پیدا می‌کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۹۳). معیدفر (۱۳۸۳) معتقد است عواملی چون افزایش آگاهی‌های اجتماعی جوانان از جامعه ملی و جهانی که منجر به شکل‌گیری ارزش‌های نو و افزایش سطح انتظار و توقع آنان می‌شود. در این مطالعه، شهر بیجار به عنوان جامعه مورد بررسی انتخاب گردید. علت انتخاب این شهر این است که در مقایسه با سایر نقاط ایران از ویژگی‌های فرهنگی و ساختارهای سنتی - مذهبی خاصی برخوردار است که در چند سال اخیر ساختارهای اجتماعی - فرهنگی و نگاه و نگرش در بین نسل‌ها برمبنای آموزه‌های جهانی شدن و نوسازی تغییر کرده است و تفاوت‌های بین نسلی متمایزی را در این جامعه می‌توان مشاهده کرد. این تمایز اجتماعی بیشتر در حوزه سبک زندگی تجلی یافته است. به عبارت دیگر، با افزایش عناصر نوسازی و نوگرایی تغییرات قابل توجهی بر پیکره و فاصله بین دو نسل در شهر به چشم می‌خورد. از این رو، پژوهش حاضر در صدد تبیین تأثیر نوسازی و نوگرایی برسبک زندگی دو نسل (والدین و فرزندان) در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار می‌باشد.

مبانی و چارچوب نظری

رویکرد نوسازی مبتنی بر دیدگاه های دورکیم در مورد دگرگونی جامعه ی مبتنی بر همبستگی مکانیکی به جامعه ی مبتنی بر همبستگی ارگانیکی و تفکیک اجتماعی ناشی از آن است. از طرف دیگر، اندیشه های وبر در مورد چگونگی پیدایش جامعه ی صنعتی، سنت زدایی شده و عقلانیت گرا و ایده های مارکس پیرامون تطور و توسعه ی جوامع از مبانی نظری کلاسیک این نظریه هستند (وبستر، ۱۹۹۰). اما این دیدگاه به طور رسمی در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسط برخی دانشمندان کارکردگرا مطرح شد که مهمترین آنها پارسنز بود (ترنر، ۱۹۹۰). نظریه نوسازی بعد از جنگ جهانی دوم در راستای سه رویداد اساسی پدید آمد که عبارتند از: گسترش کمونیسم و دکترین تحول گرای آن، هژمونی سیاسی نظامی ایالات متحده آمریکا در جهان و استقلال ملل مستعمره و نیاز به الگویی برای ورود آنها به عرصه ی توسعه و نوسازی. این نظریه، که از میراث فکری مهم دوره روشنگری است، معتقد است تنها نسخه ی اصلی توسعه و ترقی نسخه ی غربی است و کلیه ی جوامع باید الزاما مراحل توسعه ی غربی را طی کنند (سو، ۱۳۸۸: ۸۲). مهم ترین ویژگی های این نظریه عبارتند از: تقدم اولیه به نقش ارزش ها، باورداشت ها و هنجارها در تشخیص سنتی یا مدرن بودن جامعه، شرایط لازم برای توسعه به مثابه ی شرط مقدم بر توسعه، کنارگذاشتن الگوهای سنتی زندگی اجتماعی و حتی نابودی مشخصه های سنتی همراه با پیدایش شکل جدیدی از قشربندی اجتماعی، اشاعه ی فرهنگی و رسیدن به مرحله ی مصرف انبوه (وبستر، ۱۹۹۵). نظریه نوسازی با اتکای به رویکردهای ساختی- کارکردگرایانه پارسنزی، فرض اصلی خود را تعادل و توازن نظام اجتماعی قرار می دهد و مفهوم موازنه را نقطه مرجع بنیادی و نهایی برای تحلیل نظام های اجتماعی تلقی می کند که با شرایط خارجی رو به رو می شوند. نوسازی فرایند گسترده ای است که ابعاد وسیعی از حیات فردی و اجتماعی انسان ها را در برمی گیرد و در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانی قابل بررسی است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶). جامعه شناسان در تعریف نوسازی معمولا ابعادی چون تفکیک و تمایز اجتماعی نقش ها و دگرگونی در کنش ها و غالب شدن کنش های عقلانی و منطقی در بین افراد جامعه

توجه دارند و معتقدند نوسازی جامعه زمانی رخ می دهد که محدودیت های گذشته از میان برداشته شده و افراد بتوانند آزادانه خصوصا از روستا به شهر، برای داد و ستد و یا پیدا کردن کار کوچ کنند. اما افراد زمانی متجدد می شوند که قید و بندهای فکری از طریق آموزش و پرورش، سواد و رسانه های جمعی از بین برود و افراد به گونه ای دیگر به جهان بنگرند و به اصطلاح آگاهانه انتخاب کنند. بشیریه در تعریف خود از نوگرایی می گوید، نوگرایی بیان نوعی بینش مبتنی بر اصالت عناصر مدرنیته است و زمینه تئوریک و ذهنی تمام اقدامات عملی جوامع دور از تجدد غربی را برای تحقق تجدد فراهم می آورد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۴). ویلیام کائولی نوگرایی را به معنی روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی (اسطوره ای، اخلاقی، عاطفی و ...)، رشد اندیشه علمی و خرد باوری و افزون شدن اعتبار فلسفه نقادانه، شکل گیری قوانین مبادله و به تدریج سلطه جامعه مدنی بر دولت (وبستر، ۱۹۹۵: ۵۹) می داند. این تعریف تقریبا کلیه ویژگی های جامعه مدرن را در بر می گیرد. ویژگی هایی که زبیده بستر ایدئولوژیک و فکری حاصل از جریان نوگرایی می باشد (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). روان شناسان اجتماعی معمولا از نوسازی انسانی و روانی سخن می گویند و معتقدند که نوسازی روانی مفهومی است که به فرایندهای تغییر در سطوح ارزش ها، سبک های شناختی، ویژگی های شخصیتی و غیره اطلاق می شود که در سایه تجاربی چون اقامت در شهر، رفتن به مدرسه، تماس با رسانه های جمعی و استخدام در بنگاه های مدرن به دست می آید و خود منجر به رفتارهایی می شود که دال بر توسعه اقتصادی و سیاسی جامعه دارد (ازکیا به نقل از وینر، ۱۳۵۰: ۱۷۰).

این پژوهش به دنبال تبیین تاثیر نوسازی و نوگرایی بر سبک زندگی والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار می باشد. در این تحقیق، پژوهش گر در رابطه با متغیرنوگرایی و نوسازی از نظریه های لرنر و مک کله لند از حوزه نظریه های نوسازی روانی؛ و اسمیت و اینکلس و شارما در حوزه نوسازی اجتماعی و اقتصادی و در رابطه با سبک زندگی از نظریه ترنر استفاده کرده است. به علاوه، از آنجا که در این مطالعه دگرگونی ارزشی بین دو نسل والدین و فرزندان نیز مورد بررسی قرار گرفته است، از این رو

از نظریه اینگلهارت نیز بهره گرفته شده است. در این قسمت به طور اجمال به بررسی نظریه های فوق الذکر پرداخته شده است. از نظر لرنر^۱، سه ویژگی همدلی^۲، تحرک و مشارکت بالا، هسته مرکزی شخصیت نوسازی شده را تشکیل می دهد (دیوب، ۱۳۷۷: ۴۰). لرنر با طرح مفهوم همدلی و شخصیت انتقالی^۳، به معنی این که شخص این توانایی را در خود ببیند که خود را در جای دیگری بگذارد، در صورت شناسایی ابعاد روانی و آمادگی ذهنی افراد در پذیرش تجدد و نوآوری است. دیوید مک کله لند^۴، مساله انگیزش را در نظریه نوسازی در قالب ویروسی ذهنی تحت عنوان «میل و نیاز به پیشرفت» مورد توجه قرار داد (بنوغزیزی، ۱۳۷۴: ۱۷). الکس اینکلوس^۵ و دیوید اسمیت^۶: مطرح می کنند، انسان در شهر از وسایل ارتباط توده ای (روزنامه ها، رادیو، سینما و تلویزیون و ...) استفاده می کند (وینر، ۱۳۵۰: ۱۱۹) و تجربه شهرنشینی انسان را مدرن تر نمی سازد، بلکه ارتباط متمایز شهری ها با مدارس و دانشگاه ها، وسایل ارتباط جمعی، تجربه های کاری و ... است که به شهرنشینی اهمیت می دهد. (اینکلوس، ۱۹۷۶: ۲۲۹). شارما^۷ (۱۹۷۹) شاخص جدیدی برای سنجش نوگرایی ارائه کرده که دارای جهت گیری هایی در ابعاد مختلف از جمله، جهت گیری علمی، جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری جهانی، جهت گیری پیشرفت، جهت گیری استقلال طلبانه، و جهت گیری مدنی بوده است (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). پارسونز منشاء هر رفتاری را "آمادگی ها یا تمایلات نیازی" می داند که انگیزه های کنش را می سازد. از نظر او آمادگی ها اکتسابی اند نه موروثی (گی روشه، ۱۳۷۶). ویلن از پیشگامان نظریه پردازی درباره اوقات فراغت بود. او در آثار خود به این نتیجه رسید که اعضای طبقه مرفه برای نمایش و کسب مقام و منزلت اجتماعی بالاتر در مصرف و به ویژه فراغت و تن آسانی زیاده روی می کنند (اسدی،

1. Daniel Lerner

2. Empathy

3. Transitional Personality

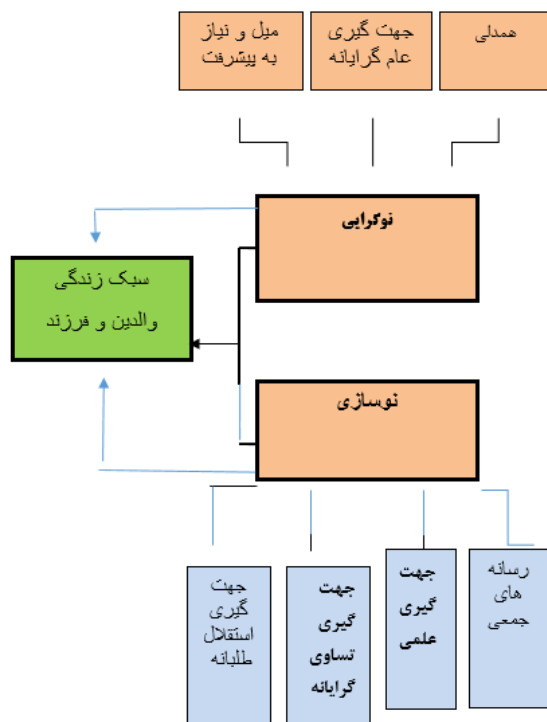
4. David McCullough Land

5. Alex Inklus

6. David Smith

7. Sharma's theory

۱۳۵۲: ۲۰). عمده ترین میراث اندیشه بوردیو برای جامعه شناسی مصرف و تحلیل سبک های زندگی، تحلیل ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف، بررسی فرضیه تمایز یافتن طبقات از طریق الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی قرایح و مصرف فرهنگی است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۵). گافمن معتقد است حالات چهره و حرارت بدن محتوای اسامی و نشانه هایی است که ارتباطات روزمره ما مشروط به آنهاست و برای آن که بتوانیم با دیگران در تولید و بازتولید روابط اجتماعی و هویت شخصی خود شریک شویم باید بتوانیم نظرات مداوم و موفق بر چهره و بدن خود اعمال کنیم (آزاد ارمکی و غراب، ۱۳۷۸: ۱۱۳). البته جنبه ای از خود را نشان دهیم که مورد قبول و پذیرش دیگران باشد. با توجه به دیدگاه گافمن، متغیر مناسبات اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سبک زندگی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. از آنجا که در این مطالعه تغییر ارزش ها در دو نسل مورد بررسی قرار گرفته است، از این رو، نظریه دگرگونی ارزش های رونالد اینگلهارت نیز مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مرور نظریه های مورد بررسی، متغیرها و فرضیه ها استخراج و در ماتریس نظریه ها و مدل مفهومی تنظیم شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش شناسی

این پژوهش از نظرهدف کاربردی و با توجه به ماهیت داده‌ها علی-مقایسه ای است. روش علی-مقایسه ای روشی است که طی آن پژوهش گر با مقایسه ی گروه های متشکل علت های احتمالی تغییر در متغیر وابسته را مطالعه می کند(میرزایی، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۹). جامعه آماری برای این پژوهش شامل والدین و فرزندان بیجاری است،(فرزندانی که با والدین خود زندگی می‌کنند) که البته والدین در بازه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال و فرزندان در بازه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال مورد مطالعه قرار گرفته اند. برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشهای چند مرحله ای استفاده گردید. به طوری که شهر بیجار به ۵ منطقه‌ی(شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) دسته بندی گردید. سپس به صورت تصادفی ساده از هر یک از مناطق

منتخب، ۲ ناحیه، و هم چنین از هر ناحیه، یک محله، و از هر محله، دو خیابان و از هر خیابان، دو کوچه به شیوه قرعه کشی انتخاب گردید. در مرحله انتخاب نمونه ها نیز پژوهش گر مجبور گردید، از روش نمونه گیری هدفمند استفاده کند. ملاک انتخاب خانواده های نمونه به شرح زیر است:

۱. خانواده هایی که هم پدر و هم مادر در قید حیات بودند؛ ۲. سن پدر و مادر بیش از ۶۰ سال و کمتر از ۴۰ سال نباشد؛ ۳. فرزندان مجرد و بین سنین ۱۵ سال تا ۳۰ سال انتخاب شدند. در واقع، در این پژوهش فرزندان که با خانواده خود زندگی می کردند، انتخاب شدند. از آنجا که آمار دقیقی از والدین و فرزندان با توجه به ویژگی های فوق الذکر در بیچار در دسترس نبوده است.

براساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ خانوار انتخاب شدند. از آنجا که از هر خانوار یکی از والدین و یک فرزند مورد پرسش گری قرار گرفتند، از این رو، مجموع تعداد نمونه ها معادل ۷۶۸ نفر برآورد گردید. به عبارت دیگر، افرادی به عنوان نمونه انتخاب گردیدند که با موضوع مرتبط بوده و معیارها و ویژگی های ورود به تحقیق را دارا بودند. هم چنین برای تبیین نتایج ۱۰ نفر (۵ نفر نسل اولی و ۵ نفر نسل دومی) با بهره گیری از روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب و با آنان مصاحبه به عمل آمد. ابزار جمع آوری اطلاعات در تحقیق، پرسشنامه است. ابتدا پرسشنامه محقق ساخته حاصل مطالعات نظری و مرور ادبیات نوسازی و نوگرایی و سبک زندگی طراحی شد. البته شایان ذکر است، برخی از گویه های مربوط به ابعاد جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری استقلال طلبانه، جهت گیری عام گرایانه و جهت گیری علمی از پژوهش مهدی زاده (۱۳۸۱) و شمس نجف آبادی (۱۳۷۶) که قبلا از این مقیاس در ایران استفاده کرده اند، بهره گرفته شده است. پرسشنامه حاوی دو بخش است. در بخش اول پرسشنامه به بررسی ویژگی های جمعیت شناختی جامعه نمونه (سال تولد، وضعیت تاهل، و میزان تحصیلات) و بخش دوم پرسشنامه بیانگر میزان مناسب بودن و اهمیت مولفه ها و متغیرهای اصلی پژوهش (نوسازی و نوگرایی و سبک زندگی) است. برای تجزیه و تحلیل

داده‌ها از نرم افزار spss و Amos استفاده گردید و از مدل مسیر و مدل ساختاری استفاده گردید.

یافته های تحلیلی

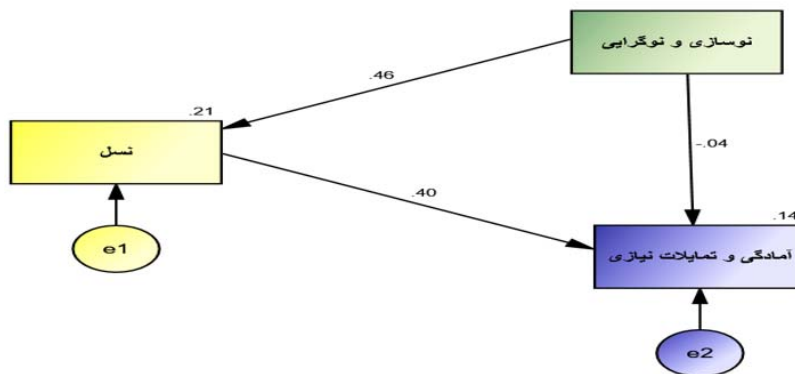
در این بخش فرضیه ها مورد بررسی قرار گرفته اند. بدین منظور از مدل مسیر و معادلات ساختاری برای تاثیرگذاری متغیر مستقل بر وابسته در بین والدین و فرزندان استفاده شد که نتایج به شرح زیر است:

تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد آمادگی و تمایلات نیازی (سبک زندگی) والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

جدول ۳. نتایج مدل مسیر تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد آمادگی و تمایلات نیازی (سبک زندگی) والدین و فرزندان با توجه به اثرات مستقیم و غیر مستقیم آنها

R ²		سطح معنی داری p.value	Beta	متغیرها
۰/۲۱۵	نسل	۰/۰۰۰	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
۰/۱۴۴	بعد آمادگی و تمایلات نیازی	۰/۰۰۰	۰/۳۹۶	نسل ← بعد آمادگی و تمایلات نیازی
		۰/۲۹۳	-۰/۰۴۰	نوسازی و نوگرایی ← بعد آمادگی و تمایلات نیازی
اثرات غیر مستقیم			اثرات مستقیم استاندارد شده	
	۰/۱۸۳	نوسازی و نوگرایی ← بعد آمادگی و تمایلات نیازی	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
			۰/۳۹۶	نسل ← بعد آمادگی و تمایلات نیازی
			-۰/۰۴۰	نوسازی و نوگرایی ← بعد آمادگی و تمایلات نیازی

با استفاده از مدل مسیر، این فرضیه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد، متغیر نوسازی و نوگرایی بر بعد آمادگی و تمایلات نیازی به طور مستقیم تاثیر گذار نبوده است. اما با توجه به نقش متغیر نسل، می توان بیان کرد، اولاً متغیر نوسازی و نوگرایی بر متغیر نسل (والدین و فرزندان) در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. ثانیاً، با توجه به ضریب R^2 ، میتوان اظهار کرد، ۲۱،۵ درصد از واریانس در متغیر نسل (والدین و فرزندان) ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده است. ثالثاً، ۱۴،۴ درصد از واریانس بعد آمادگی و تمایلات نیازی ناشی از متغیر نسل (والدین و فرزندان) بوده است. هم چنین با توجه نتایج، ۱۸،۳ درصد از واریانس متغیر بعد آمادگی و تمایلات نیازی به صورت غیر مستقیم (با توجه به نقش متغیر نسل) ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده است.



شکل ۲: تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد آمادگی و تمایلات نیازی (سبک زندگی) والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد اوقات فراغت (سبک زندگی) والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

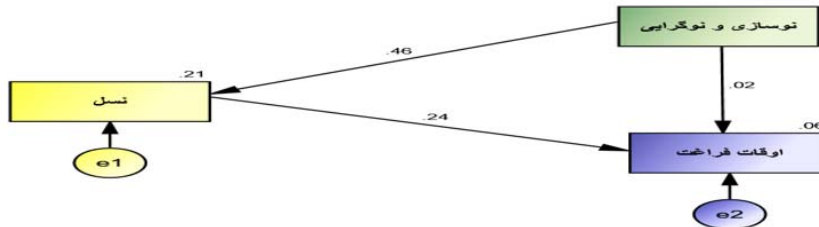
جدول ۴. نتایج مدل مسیر تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد اوقات فراغت (سبک زندگی) والدین و فرزندان با توجه به اثرات مستقیم و غیر مستقیم آنها

R ²		سطح معنی داری p.value	Beta	متغیرها
۰/۲۱۵	نسل	۰/۰۰۰	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
۰/۰۶۱	بعد اوقات فراغت	۰/۰۰۰	۰/۲۳۹	نسل ← بعد اوقات فراغت
		۰/۶۴۰	۰/۰۸	نوسازی و نوگرایی ← بعد اوقات فراغت
		اثرات مستقیم استاندارد شده		
	۰/۱۱۱	نوسازی و نوگرایی ← بعد اوقات فراغت	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
			۰/۲۳۹	نسل ← بعد اوقات فراغت
			۰/۰۸	نوسازی و نوگرایی ← بعد اوقات فراغت

با استفاده از مدل مسیر، این فرضیه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج متغیر نوسازی و نوگرایی بر بعد اوقات فراغت به طور مستقیم تاثیر گذار نبوده است. اما اولاً متغیر نوسازی و نوگرایی بر متغیر نسل (والدین و فرزندان) در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. ثانیاً، با توجه به ضریب R²، می توان اظهار کرد، ۲۱،۵ درصد از واریانس در متغیر نسل (والدین و فرزندان) ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده، ثالثاً، ۶،۱ درصد از واریانس بعد اوقات فراغت ناشی از متغیر نسل (والدین و فرزندان) بوده است. به علاوه، ۱۱،۱ درصد از واریانس متغیر بعد

اوقات فراغت به صورت غیر مستقیم (با توجه به نقش متغیر نسل) ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده است. شاهرخ ۴۸ ساله دارای ۲ فرزند، معتقد است، وجود شبکه های اجتماعی مجازی منجر به تغییر در نگرش نسل دومی ها (فرزندان) نسبت به اوقات فراغت سنتی به ویژه شرکت در فعالیت های مذهبی شده است. " توسعه علم باعث سستی اعتقادات شده، در گذشته اعتقادات ریشه در صداقت و بی آلاشی آدمها داشته (باورهای مذهبی) اما امروزه افراد به ویژه جوانان (نسل دومی ها) با استفاده نادرست از شبکه اجتماعی و تکنولوژی، اعتقاداتشان دچار لغزش گردیده و کمتر در اماکن مذهبی جوانان را می توان مشاهده کرد. هم چنین اوقات فراغت در نسل ما (نسل اولی) بیشتر با کار عجین بود، ولی جوان امروز (نسل دومی) بیشتر راحت طلبی را دوست دارد و عدم انگیزه در جوانان امروزی طوری شده که مطالعه هم در نسل جدید کمتر شده و به سمت خوشگذرانی های لحظه ای پیش می روند. (نسل دومی ها). "

متن مصاحبه فوق دال بر یک تغییر نسبت به فعالیت های اوقات فراغت در بین دو نسل است. به نظر می رسد در نسل اولی ها (والدین) اکثر فعالیت های مربوط به اوقات فراغت تحت تاثیر اجبارهای اجتماعی و مذهبی و عمومی است که در آن احتمال گزینش یا انتخاب آرا کمتر مطرح است. هم چنین بین اوقات فراغت و کاری که از آن فرد معیشت خود را تامین می کند به نظر می رسد جدا نیست. در صورتی که در نسل دومی ها (فرزندان) می توان یک رویکرد روان شناختی نسبت به اوقات فراغت مشاهده کرد. در این رویکرد نقش و کارکرد اوقات فراغت را از منظر عوامل روانی و فردی نگاه می کنند و توجه چندانی به ساختار کلی نشان نمی دهند. به علاوه در جامعه کردستان کنونی، در بین نسل دومی ها (فرزندان) اوقات فراغت به منزله ی فعالیت مصرفی عرصه ی خاصی از تجربه ی انسانی است که امتیاز آن برای نسل دومی ها (فرزندان) داشتن حق انتخاب، خلاقیت، رضایت مندی و لذتی است که خود، لذت از شادی بیشتر را به دنبال دارد و به آنها امکان می دهد هویت های اجتماعی مسیر خویش را ابراز کنند و گاه تایید دیگران درباره ی آن بدست آورند. شاید بتوان بیان کرد، ویژگی دوران اخیر، تنوع الگو های گذران اوقات فراغت است. نظیر تماشای مسابقات و انجام دادن فعالیت های متنوع ورزشی، شرکت در مهمانی های دوستانه (پارتی)، رفتن به کنسرت موسیقی، استفاده از بازی- های تفریحی نظیر شطرنج، حل کردن جداول... است.



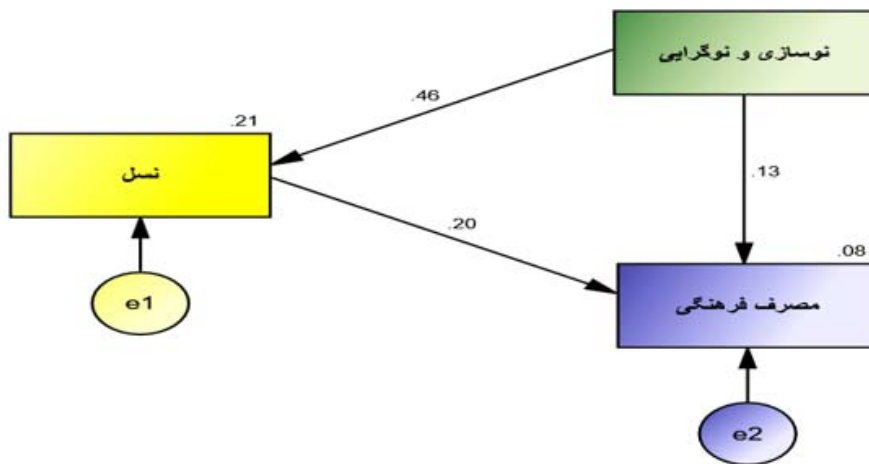
شکل ۳. تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد اوقات فراغت (سبک زندگی) والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مصرف فرهنگی (سبک زندگی) والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

جدول ۵. نتایج مدل مسیر تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مصرف فرهنگی (سبک زندگی) والدین و فرزندان با توجه به اثرات مستقیم و غیر مستقیم آنها

R ²		سطح معنی داری p.value	Beta	متغیرها
۰/۲۱۵	نسل	۰/۰۰۰	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
۰/۰۸۲	بعد مصرف فرهنگی	۰/۰۰۰	۰/۲۰۲	نسل ← بعد مصرف فرهنگی
		۰/۰۰۰	۰/۱۲۹	نوسازی و نوگرایی ← بعد مصرف فرهنگی
		اثرات مستقیم استاندارد شده		اثرات غیر مستقیم
	۰/۰۹۴	نوسازی و نوگرایی ← بعد مصرف فرهنگی	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
			۰/۲۰۲	نسل ← بعد مصرف فرهنگی
			۰/۱۲۹	نوسازی و نوگرایی ← بعد مصرف فرهنگی

با استفاده از مدل مسیر، این فرضیه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد، متغیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مصرف فرهنگی به طور مستقیم و غیر مستقیم در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده، به طوری که اولاً، ۱،۷ درصد از واریانس بعد مصرف فرهنگی به طور مستقیم ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده؛ ثانیاً، ۸،۲ درصد از واریانس بعد مصرف فرهنگی ناشی از متغیر نسل (والدین و فرزندان) بوده است. ثالثاً، ۹،۴ درصد از واریانس متغیر بعد مصرف فرهنگی به صورت غیر مستقیم (با توجه به نقش متغیر نسل) ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده است.



شکل ۴. تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مصرف فرهنگی والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

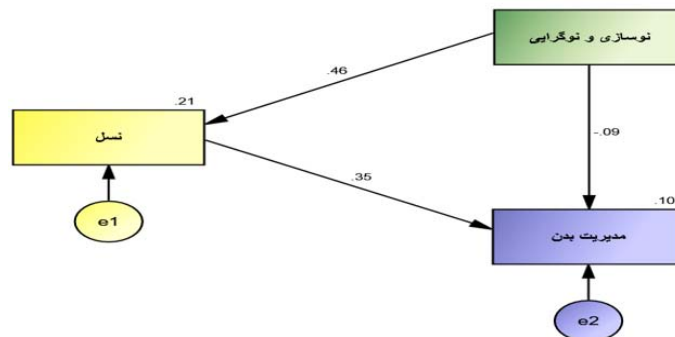
تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مدیریت بدن (سبک زندگی) والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

جدول ۶. نتایج مدل مسیر تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مدیریت بدن (سبک زندگی) والدین و فرزندان با توجه به اثرات مستقیم و غیر مستقیم آنها

R ²		سطح معنی داری p.value	Beta	متغیرها
۰/۲۱۵	نسل	۰/۰۰۰	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
۰/۱۰۱	بعد مدیریت بدن	۰/۰۰۰	۰/۳۴۹	نسل ← بعد مدیریت بدن
		۰/۲۲۲	-۰/۰۸۹	نوسازی و نوگرایی ← بعد مدیریت بدن
		اثرات مستقیم استاندارد شده		اثرات مستقیم
	۰/۱۶۲	نوسازی و نوگرایی ← بعد مدیریت بدن	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
			۰/۳۴۹	نسل ← بعد مدیریت بدن
			-۰/۰۸۹	نوسازی و نوگرایی ← بعد مدیریت بدن

با استفاده از مدل مسیر، این فرضیه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد، متغیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مدیریت بدن به طور مستقیم تاثیر گذار نبوده است. اما به طور غیر مستقیم (با توجه به نقش متغیر نسل) بر بعد مدیریت بدن تاثیر گذار بوده است. به طوری که اولاً متغیر نوسازی و نوگرایی بر متغیر نسل (والدین و فرزندان) در سطح معنی داری ۰/۱٪ تاثیر گذار بوده است. ثانياً، با توجه به ضریب R²، می توان اظهار کرد، ۲۱،۵ درصد از واریانس در متغیر نسل (والدین و فرزندان) ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده؛ ثالثاً، ۱۰،۱ درصد از

واریانس بعد مدیریت بدن ناشی از متغیر نسل (والدین و فرزندان) بوده است و هم چنین، ۱۶,۲ درصد از واریانس متغیر بعد مدیریت بدن به صورت غیر مستقیم (با توجه به نقش متغیر نسل) ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده است. آکو ۵۷ ساله دارای ۳ فرزند، در مورد تغییر پوشش و مدیریت بدن نسل دومی ها معتقد به وجود تغییراتی بود. "تفاوت سبک لباس دو نسل بسیار متفاوت است در گذشته نسل ما پوشیده تر لباس به تن می کردیم و سنتی تر اما فرزندان امروز آزاد هستند و مقید به چهارچوب ها نمی باشند. هم چنین فرزندان ما (نسل دومی ها) تمایل زیادی به مدگرایی و داشتن لباس های متنوع دارند. جراحی بینی، پلک، ابرو، ساکشن و لیپوساکشن در اندام های بدن در جامعه زیاد شد، در دهه ۹۰ به شکل مد روز در آمده و حتی نسل جدید و افراد برای انجام آن تشویق می شوند و مورد مذمت در جامعه هم به مانند گذشته قرار نمی گیرند ولی بحث این است که نسل جدید افراط شدیدی در این امر دارند که حتی گاهی از هیبت انسانی نیز خارج می شود (نسل دومی) برای نسل ما غیرقابل قبول است (نسل اولی) ولی برای نسل جوان عادی است و بسیار هم قابل فهم (نسل دومی)".



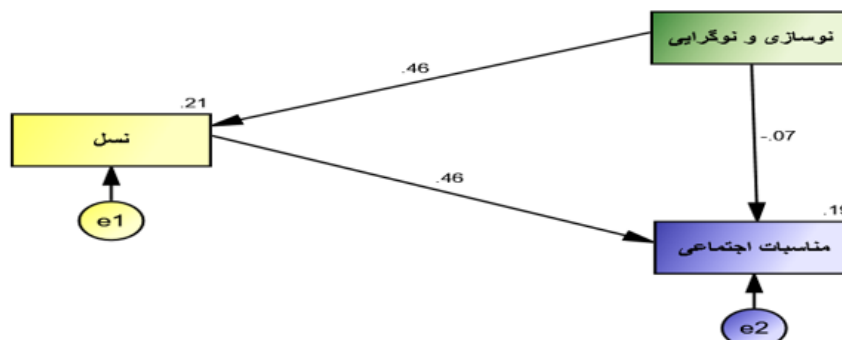
شکل ۵. تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مدیریت بدن (سبک زندگی) والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

تأثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد وضعیت مناسبات اجتماعی (سبک زندگی) والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

جدول ۷. نتایج مدل مسیر تأثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مناسبات اجتماعی (سبک زندگی) والدین و فرزندان با توجه به اثرات مستقیم و غیر مستقیم آنها

R ²		سطح معنی داری p.value	Beta	متغیرها
۰/۲۱۵	نسل	۰/۰۰۰	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
۰/۱۸۶	بعد مناسبات اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۴۵۹	نسل ← بعد مناسبات اجتماعی
		۰/۰۶۱	-۰/۰۶۹	نوسازی و نوگرایی ← بعد مناسبات اجتماعی
		اثرات مستقیم استاندارد شده		
	اثرات غیر مستقیم			
	۰/۲۱۳	نوسازی و نوگرایی ← بعد مناسبات اجتماعی	۰/۴۶۳	نوسازی و نوگرایی ← نسل
			۰/۴۵۹	نسل ← بعد مناسبات اجتماعی
			-۰/۰۶۹	نوسازی و نوگرایی ← بعد مناسبات اجتماعی

با استفاده از مدل مسیر، این فرضیه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد، متغیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مناسبات اجتماعی به طور مستقیم تأثیر گذار نبوده است. اما با توجه به نقش متغیر نسل، اثر غیرمستقیم بر بعد مناسبات اجتماعی در سطح معنی داری ۱٪ داشته است. به طوری که اولاً، ۲۱،۵ درصد از واریانس در متغیر نسل (والدین و فرزندان) ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده؛ ثانياً ۲۱،۳ درصد از واریانس بعد مناسبات اجتماعی به صورت غیر مستقیم (با توجه به نقش متغیر نسل) ناشی از متغیر نوسازی و نوگرایی بوده است.



شکل ۶. تاثیر نوسازی و نوگرایی بر بعد مناسبات اجتماعی (سبک زندگی) والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

تاثیر متغیر نوسازی و نوگرایی با ابعاد آن بر متغیر سبک زندگی با توجه به نقش متغیر نسل (والدین و فرزندان) با بهره گیری از مدل ساختاری ابتدا شاخص نیکویی برازش مدل مورد بررسی قرار گرفت، سپس با توجه به ضرایب بتا تاثیر متغیر نوسازی و نوگرایی با سبک زندگی و اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جداول زیر آورده شده است:

جدول ۸. نتایج شاخص های نیکویی برازش مدل ساختاری

GFI	NFI	RMSEA	P.value	CMIN/df	df	CMIN (x ²)
0.943	0.988	0.030	0.000	2.78	64	178.100

با توجه به این که مقدار نسبت کای اسکور بر درجه آزادی (CMIN/df) کمتر از ۳، RMSE کوچکتر از ۰/۰۸ و شاخص برازش نرم (NFI) و شاخص نیکویی برازش (GFI) بزرگتر از ۰/۹ است. می توان نتیجه گرفت که مدل اندازه گیری از برازش مناسبی برخوردار است.

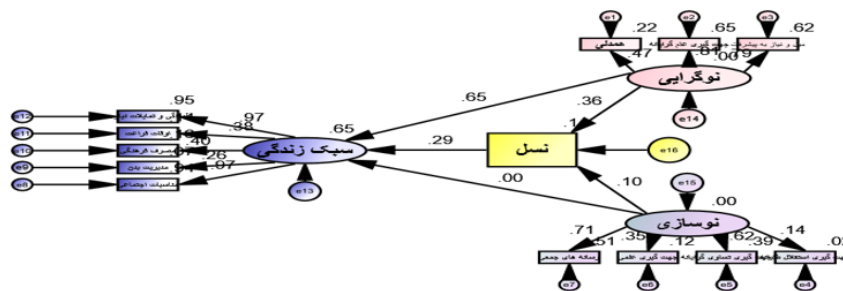
جدول ۹. نتایج مدل ساختاری تاثیر متغیر نوسازی و نوگرایی و ابعاد آن بر سبک زندگی با توجه به نقش نسل (والدین و فرزندان) و اثرات مستقیم و غیر مستقیم آنها

R ²		سطح معنی داری p.value	Beta	متغیرها
۰,۱۳۸	نسل	۰,۰۰۰	۰,۳۵۹	نوگرایی ← نسل
۰,۶۴۶	سبک زندگی	۰,۰۰۰	۰,۱۰۱	نوسازی ← نسل
۰,۹۴۷	آمادگی و تمایلات نیازی	۰,۰۰۰	۰,۲۹۳	نسل ← سبک زندگی
۰,۱۴۱	اوقات فراغت	۰,۰۰۰	۰,۶۵۱	نوگرایی ← سبک زندگی
۰,۱۶۲	مصرف فرهنگی	۰,۸۲۱	-۰,۰۰۱	نوسازی ← سبک زندگی
۰,۰۶۸	مدیریت بدن	۰,۰۰۰	۰,۴۷۴	نوگرایی ← همدلی
۰,۹۴۰	مناسبات اجتماعی	۰,۰۰۰	۰,۸۰۷	نوگرایی ← جهت گیری عام گرایانه
۰,۵۰۹	رسانه های جمعی	۰,۰۰۰	۰,۷۸۶	نوگرایی ← میل و نیاز به پیشرفت
۰,۱۲۲	جهت گیری علمی	۰,۰۰۰	۰,۱۴۵	نوسازی ← جهت گیری استقلال طلبانه
۰,۳۸۹	جهت گیری تساوی گرایانه	۰,۰۰۰	۰,۶۲۳	نوسازی ← جهت گیری تساوی گرایانه
۰,۰۲۱	جهت گیری استقلال طلبانه	۰,۰۰۰	۰,۳۵۰	نوسازی ← جهت گیری علمی
۰,۶۱۸	میل و نیاز به پیشرفت	۰,۰۰۰	۰,۷۱۳	نوسازی ← رسانه های جمعی
۰,۶۵۱	جهت گیری عام گرایانه	۰,۰۰۰	۰,۹۶۹	سبک زندگی ← مناسبات اجتماعی
۰,۲۲۴	همدلی	۰,۰۰۰	۰,۲۶۰	سبک زندگی ← مدیریت بدن

		۰,۰۰۰	۰,۴۰۲	سبک زندگی ← مصرف فرهنگی
		۰,۰۰۰	۰,۳۷۶	سبک زندگی ← اوقات فراغت
		۰,۰۰۰	۰,۹۷۳	سبک زندگی ← آمادگی و تمایلات نیازی
	اثرات غیر مستقیم		اثرات مستقیم استاندارد شده	
	۰,۰۲۸	نوسازی ← سبک زندگی	۰,۳۵۹	نوگرایی ← نسل
	۰,۱۰۵	نوگرایی ← سبک زندگی	۰,۱۰۱	نوسازی ← نسل
	۰,۰۲۷	نوسازی ← آمادگی و تمایلات نیازی	۰,۲۹۳	نسل ← سبک زندگی
	۰,۷۳۶	نوگرایی ← آمادگی و تمایلات نیازی	۰,۶۵۱	نوگرایی ← سبک زندگی
	۰,۲۸۵	نسل ← آمادگی و تمایلات نیازی	-۰,۰۰۱	نوسازی ← سبک زندگی
	۰,۰۱۰	نوسازی ← اوقات فراغت	۰,۴۷۴	نوگرایی ← همدلی
	۰,۲۸۴	نوگرایی ← اوقات فراغت	۰,۸۰۷	نوگرایی ← جهت گیری عام گرایانه
	۰,۱۱۰	نسل ← اوقات فراغت	۰,۷۸۶	نوگرایی ← میل و نیاز به پیشرفت
	۰,۱۱۰	نوسازی ← مصرف فرهنگی	۰,۱۴۵	نوسازی ← جهت گیری استقلال طلبانه
	۰,۳۰۸	نوگرایی ← مصرف فرهنگی	۰,۶۲۳	نوسازی ← جهت گیری تساوی گرایانه
	۰,۱۱۸	نسل ← مصرف فرهنگی	۰,۳۵۰	نوسازی ← جهت گیری علمی

نوسازی ← رسانه های جمعی	۰,۷۱۳	نوسازی ← مدیریت بدن	۰,۰۰۷
سبک زندگی ← مناسبات اجتماعی	۰,۹۶۹	نوگرایی ← مدیریت بدن	۰,۱۹۷
سبک زندگی ← مدیریت بدن	۰,۲۶۰	نسل ← مدیریت بدن	۰,۰۷۶
سبک زندگی ← مصرف فرهنگی	۰,۴۰۲	نوسازی ← مناسبات اجتماعی	۰,۰۲۷
سبک زندگی ← اوقات فراغت	۰,۳۷۶	نوگرایی ← مناسبات اجتماعی	۰,۷۳۳
سبک زندگی ← آمادگی و تمایلات نیازی	۰,۹۷۳	نسل ← مناسبات اجتماعی	۰,۲۸۴

با استفاده از مدل ساختاری، نتایج نشان داد، اولاً، ابعاد نوگرایی بر سبک زندگی در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده اند. هم چنین، نوگرایی بر سبک زندگی اثر مستقیم داشته است. البته نوگرایی بر متغیر نسل (والدین و فرزندان) نیز تاثیر گذار بوده است. به علاوه، نوسازی بر سبک زندگی تاثیر گذار نبوده است. اما نوسازی بر متغیر نسل (والدین و فرزندان) تاثیر گذار بوده است. در مجموع با توجه به نتایج، متغیر نوگرایی و نوسازی بر سبک زندگی اثر غیر مستقیم نیز داشته که سهم آن در این مدل معادل ۳,۸۳۹ بوده است.



شکل ۷. تاثیر ابعاد نوسازی و نوگرایی بر ابعاد سبک زندگی با توجه به نقش متغیر نسل (والدین و فرزندان) در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار

بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه پژوهش‌گر در صدد بررسی تاثیر نوگرایی و نوسازی بر سبک زندگی والدین و فرزندان در شهر بیجار بوده است. در این پژوهش برخی از ابعاد نوسازی و نوگرایی در حوزه های اجتماعی- اقتصادی و روانی در بین دو نسل والدین و فرزندان آنان مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد، میانگین نوگرایی و نوسازی (مدرنیته) در بین فرزندان (۴,۵) نسبت به والدین (۳,۲) بیشتر بوده است. هم چنین میانگین ابعاد نوسازی و نوگرایی در فرزندان سطح زیاد بوده است. به طوری که میانگین بعد همدلی برابر ۴,۶، میانگین بعد میل و نیاز به پیشرفت معادل ۴,۱، میانگین بعد جهت گیری علمی برابر ۴,۵، میانگین بعد جهت گیری تساوی گرایانه معادل ۴,۶، میانگین بعد جهت گیری استقلال طلبانه ۴,۷ و میانگین بعد استفاده از وسایل ارتباط جمعی معادل ۴,۴ بوده است. این نتیجه به طور غیر مستقیم در پژوهش های فرهمند و همکاران (۱۳۹۳) در ارتباط با تاثیر مولفه های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده های شهر یزد و پژوهش موسوی و علمدار (۱۳۸۸) در ارتباط نوگرایی و دینداری دختران جوان شهر تهران نیز تایید شده است. با وجود این که شاخص های مورد استفاده در این پژوهش ها با شاخص های به کار رفته در این مطالعه کاملا یکسان نیست، اما در بسیاری موارد اشتراکاتی وجود دارد و در این مطالعات بر تاثیر ابعاد نوگرایی و نوسازی بر نگرش، رفتار و کیفیت زندگی نسل جوان نسبت به نسل پیشین اشاره شده است. هم چنین نتایج در راستای نظریه اینگلهارت نیز می باشد. وی دگرگونی ارزش ها در میان نسل جدید را حاکی از گرایشان مدرن در جامعه می داند که نسبت به نسل قدیم رخ داده و این تحول کیفیت زندگی و ابراز نظر فردی برجستگی بیشتر در مقابل هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و مذهبی گذشته دارد (اینگلهارت: 1373 ، 12). معید فر (۱۳۸۳) معتقد است شکاف نسلی پدیده ای است که در هر جامعه ای به تناسب تغییرات اجتناب ناپذیر اجتماعی و فرهنگی رخ می دهد و آزاد ارمکی شکاف نسلی را به معنی تفاوت های دانشی، گرایشی و رفتاری بین نسل های حاضر در خانواده از قبیل والدین و فرزندان با وجود پیوستگی کلان متاثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی بیان می کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۵۷۳) که بر منافع،

مطالبات و سوگیری های نامتجانس و ناسازگار میان نسل دلالت دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۸۶). از سوی دیگر، نتایج مطالعه بیانگر تاثیر متغیر نوسازی و نوگرایی برسبک زندگی والدین و فرزندان بوده است. لذا آهنگ تغییرات در ابعاد مختلف به شکل هماهنگ و موزون پیش نرفته است و این در شهر بیجار نیز مشاهده شده است و مورد دیگر این که نوسازی و نوگرایی منجر به ایجاد شکاف نسلی (نسل اولی ها و نسل دومی ها) در جامعه بیجار شده است. به طوری که نتایج اختلاف فاحش روانی، اجتماعی و فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت گیری های ارزشی، و الگوهای رفتاری میان دو نسل را هم زمان در یک جامعه نشان می داد که این اختلاف و شکاف نسلی بر سبک زندگی والدین و فرزندان تاثیر گذاشته بود. به طوری که نتایج نشان داد، متغیر نوسازی و نوگرایی به طور مستقیم بر بعد آمادگی و تمایلات نیازی تاثیر نداشته است، اما، با توجه به نقش نسل (والدین و فرزندان) بر بعد آمادگی و تمایلات نیازی اثر غیر مستقیم داشته است. به عبارتی، احتمالاً عناصر نوسازی و نوگرایی در جامعه بیجار بر روی نسل دومی ها منجر به ایجاد انگیزه های کنش و تغییر رفتار شده و هم چنین منجر به ایجاد ارزش ها و درونی کردن آنها در نسل دومی ها (فرزندان) شده است. پارسونز نیز، منشاء هر رفتاری را "آمادگی ها یا تمایلات نیازی" می داند که انگیزه های کنش را می سازد. از نظر او آمادگی ها اکتسابی اند نه موروثی (گی روشه، ۱۳۷۶). هم چنین، نتایج نشان داد، متغیر نوسازی و نوگرایی به طور مستقیم بر بعد اوقات فراغت تاثیر نداشته است، اما با توجه به نقش نسل (والدین و فرزندان) بر بعد اوقات فراغت اثر غیر مستقیم داشته است. البته براساس نتایج، به نظر می رسد در نسل اولی ها (والدین) اکثر فعالیت های مربوط به اوقات فراغت، تحت تاثیر اجبارهای اجتماعی و مذهبی و عمومی بوده است حق انتخاب کمتر وجود داشته است در حالی که در نسل دومی ها (فرزندان) اوقات فراغت به منزله ی فعالیت مصرفی عرصه ی خاصی از تجربه ی انسانی است و ویژگی آن تنوع گذراندن اوقات فراغت است. بر اساس نظریه "دگرگونی ارزشی روناد اینگلهارت" در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی تحول در ارزش های مادی انسان های این جوامع رخ می دهد. (اینگلهارت: ۱۳۷۳، ۱۲). البته وی دیدگاه خوشبینانه نسبت به این امر داشته است. زیرا نظریه

او در خصوص جوامع صنعتی بوده است. در صورتی شهر بیجار یک جامعه سنتی-نیمه سنتی و در حال گذار است و توسعه نوسازی و نوگرایی به صورت صحیح و درست صورت نگرفته است و این امر مشکلاتی را در شکاف و گسست نسلی در این جامعه ایجاد کرده است. هم چنین، نتایج نشان داد، متغیر نوسازی و نوگرایی علاوه بر این که به طور مستقیم بر بعد مصرف فرهنگی (سبک زندگی) تاثیر داشته، به طور غیر مستقیم نیز با توجه به نقش نسل (والدین و فرزندان) بر بعد مصرف فرهنگی اثر داشته است. در واقع نوسازی (رسانه های جمعی) به گونه ای اجتناب ناپذیر فرهنگ جدیدی را در شهر بیجار به ارمغان آورده است که عاملان و حاملان مستقیم و بلافصل آن نسل های جوان جامعه هستند. این فرهنگ جدید دقیقاً در مرکز ثقل و نقطه وقوع شکاف و فاصله نسلی قرار دارد و منجر به شکل دهی نظام فکری و رفتاری خاص خود می گردد که تضادهایی را بین نسل های قدیم و جدید ایجاد می کند. البته اندیشه ها و پندارهای نو از سوی نسل جوان (نسل دومی ها) با استقبال روبه رو می شوند. تاجیک (۱۳۸۱) نیز به این امر تاکید کرده است. وی جوان بودن جامعه، نارسایی و انسداد در فرایند انتقال ارزش ها و هنجارها به نسل جدید، شکاف میان گفتمان سنتی (پیر) و مدرن (جوان)، و شکاف میان گروه های مرجع اجتماعی سنتی و نسل جدید را از جمله عوامل مؤثر در شکاف نسلی دانسته است (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷-۴۳). به علاوه نتایج بیانگر تاثیر غیر مستقیم متغیر نوسازی و نوگرایی با توجه به نقش متغیر نسل بر مدیریت بدن بوده است. زیرا در شهر بیجار یک تغییر نگرش نسبت به مدیریت بدن در نسل دومی ها نسبت به نسل اولی ها ایجاد شده است. البته در نسل اولی ها (والدین) نسبت به نسل دومی ها (فرزندان) کمتر بوده است. برخی صاحب نظران تفاوت های بین نسلی را نه تنها امری بدیهی بلکه شرط لازم برای پیشرفت و توسعه جامعه می دانند. اما در جامعه در حال گذار وضعیت به گونه دیگری است. در این جوامع، با ایجاد تغییرات در زمینه های متفاوت شبکه سنتی زندگی و رشد نهادهای تازه مدنی، ارزش و هنجارهای هایی متفاوت با هنجارها و باورهای سنتی در بین نسل جدید ظهور می کند که صاحب نظرانی به آن شکاف نسلی گویند (دانش و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). هم چنین متغیر نوسازی و نوگرایی با توجه به نقش متغیر نسل بر مناسبات اجتماعی نیز

تأثیر داشته است. با توجه به مطالعه و مصاحبه های به عمل آمده، در شهر بیجار تغییر در فرایند اجتماعی شدن از نسلی به نسل دیگر در اثر وجود نوسازی و نوگرایی ایجاد شده است. به عقیده مید، دگرگونی های اجتماعی شتابان فرایند انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر و یا فرایند اجتماعی شدن را دچار مشکل و وقفه کرده و بین دو نسل اختلاف تجربه و فرهنگ ایجاد کرده است. وی به فرهنگ جوانگرا اشاره کرده و معتقد است زمانی که جامعه با تحولات عمیق و وسیع مواجه می شود، نسل گذشته دیگر نمی تواند الگو و معیاری برای حیات اجتماعی جامعه باشد و نسل جدید هم وضعیت حال و گذشته را محکوم می کند و به دنبال ایجاد شرایط جدیدی است. به عقیده مید این آخرین مرحله تطور فرهنگی است (رحیمی، ۱۳۹۰ به نقل از مید، ۱۳۸۵: ۳۲-۱۱۱). اینگلهارت از زاویه دیگری به این مسئله نگاه کرده است. وی معتقد است، نسل های قدیمی تر هر جامعه به انتقال ارزش های خود به فرزندان شان تمایل دارند، این میراث فرهنگی به آسانی زایل نمی شود. البته اگر این میراث با تجربه مستقیم افراد ناسازگار باشد، ممکن است به تدریج تضعیف شود (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۱۴۲) و بین دونسل تفاوت و گسست ایجاد کند. البته این امر می تواند شرایط بحرانی اجتماعی یا فرهنگی را برای شهر بیجار به ارمغان بیاورند.

کتابنامه

۱. آزاد ارمکی، تقی و چاوشیان، حسین، (۱۳۸۱). بدن به مثابه رسانه هویت، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴. صفحات ۵۷-۷۵.
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳) «رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی»، مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، نشر آگه.
۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌شناسی مناسبات بین نسلی، تهران، نشر علم.
۴. زاد ارمکی، تقی و غراب، ناصر الدین. (۱۳۷۸)، بدن و هویت، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۰۱ - ۱۲۲.
۵. ازکیا، مصطفی (۱۳۹۱). مقدمه ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران: اطلاعات.
۶. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی توسعه، با تجدید نظر، اصلاحات و اضافات کلی، چاپ ششم.
۷. استوری، جان (۱۳۸۹)، مطالعات فرهنگی، درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، تهران: آگه.
۸. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، مترجم (مریم وتر)، تهران، کویر.
۹. بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، موسسه نشر علوم نوین.
۱۰. برگر، پیتر و لوکمان. توماس. (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه ی فریبرز مجیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). «جامعه ایرانی و شکاف میان نسل‌ها»، نشریه راهبرد، ش ۲۶، زمستان.
۱۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک.
۱۳. ترنر، برایان. (۱۳۸۱)، شرق شناسی پست مدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه غلام کیانی و محمدرضا. تهران: نشر آگه.
۱۴. چاوشیان تبریزی، حسن. (۱۳۸۱)، سبک زندگی و هویت اجتماعی، مصرف و انتخاب های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره ی اخیر مدرنیته، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۵. رحیمی، محمد (۱۳۹۰). «شکاف نسلی در رویکردهای جامعه‌شناختی»، وبسایت علوم اجتماعی ایران.

۱۶. روزی بیدگلی، زهرا (۱۳۸۲). نوگرایی زنان فعال در حوزه فرهنگی، پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، صفحات ۱۷۷-۱۹۸.
۱۷. روشه، گی (۱۳۷۶). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۸. دانش، پروانه، ذاکری نصرآبادی، زهرا، عبدالمهی، عظیمه سادات (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران. مجله جامعه پژوهی فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال پنجم، شماره سوم، صص ۱-۳۰.
۱۹. شمس نجف آبادی، فاطمه (۱۳۷۶). مدرنیته، حوزه و دانشگاه پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه هند، (چاپ نشده).
۲۰. سو، الوین (۱۳۸۸). تغییرات اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. غیاثوند، الف (۱۳۸۷). کاربرد آمار و نرم افزار spss در تحلیل داده ها، تهران: نشر لویه با همکاری انتشارات متفکران.
۲۲. فاضلی، محمد (۱۳۸۶) مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
۲۳. قاسمی، و، وحید، ف؛ ربانی، ر؛ ذاکری، ز (۱۳۸۹). شناخت طبقه اجتماعی برنگرش نسبت به جریان نوگرایی، جامعه شناسی کاربردی، شماره پیاپی (۳۷)، شماره ۱، صفحات ۴۳-۶۸.
۲۴. فرهمند، مهناز؛ خرم پور، یاسین؛ پارسایان، زهره؛ ماندگاری، فرزانه (۱۳۹۳). تأثیر مولفه های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده های شهر شیراز، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۳، صفحات ۱۴۹-۱۷۷.
۲۵. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی). مترجمان: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
۲۶. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۷). نه مقاله در جامعه شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی، مترجم: علیرضا طیب. تهران: نشر مرکز.
۲۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) پیامدهای مدرنیته. مترجم (محسن ثلاثی)، تهران: نشر مرکز.
۲۸. گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۱۳۸۷)، جامعه شناسی، با تجدید نظر کامل و به روز شده، مترجم (حسن چاوشیان)، تهران، نشر نی.
۲۹. گافمن، اروینگ (۱۳۸۶)، داغ ننگ: چاره اندیشی برای هویت ضایع شده، ترجمه مسعود کیان پور؛ تهران، مرکز.
۳۰. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۳۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). راه سوم و بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر محسنی، تهران: تیراژه .
۳۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) پیامدهای مدرنیته. ترجمه ی محسن ثلاثی، تهران : نشر مرکز.
۳۳. گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۱۳۷۸)، جامعه شناسی، با تجدید نظر کامل و به روز شده، ترجمه ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۳۴. معیدفر، سعید (۱۳۹۲). همایش بررسی آسیب‌های اجتماعی در ایران.
۳۵. معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴.
۳۶. موسوی، مرضیه سادات؛ علمدار، فاطمه سادات(۱۳۸۸). بررسی رابطه نوگرایی و دینداری(مطالعه در بین دختران جوان منتخب از مناطق ا، ۶، ۱۹ تهران)، زن و مطالعات خانواده، سال ۱، شماره ۴، صفحات ۱۵۹-۱۸۸.
۳۷. مهدی زاده، شراره (۱۳۸۱)، تهران و نوگرایی، رساله دکتری در رشته جامعه شناسی، دانشگاه تهران.
۳۸. مهدی زاده، شراره (۱۳۸۰). تلویزیون و نوگرایی، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تهران.
۳۹. مهدیزاده، محمد (۱۳۸۹)، «نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی»، ناشر همشهری، چاپ اول.
۴۰. مهدوی، محمدصادق و مولایی، علی اصغر (۱۳۸۱)، «بررسی میزان تمایل به مدیریت بدن و کنترل اندام و عوامل مؤثر بر آن»، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۲. صص ۷۰-۳۶.
۴۱. میرزایی، خلیل(۱۳۹۳). پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی، جلد اول، تهران، جامعه شناسان.
۴۲. میرزایی، محمد؛ زنجانی، حبیب و قربانعلی پور، سحر(۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به مدیریت بدن در ایران طی سه دهه اخیر، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۵(۴)، صص ۱۰۰-۱۱۳.
۴۳. وبستر ، فرانک.(۱۳۸۴). "نظریه های جامعه اطلاعاتی". مترجم(مهدی داوودی)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۴۴. وبر، ماکس (۱۳۶۷)، طبقات اجتماعی در نظریه ماکس وبر، مفاهیم اساسی جامعه شناسی ، ترجمه احمد صدارتی، تهران: تهران مرکز.
۴۵. ویلن، تورستین. (۱۳۸۳)، نظریه ی طبقه ی مرفه، ترجمه ی فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
46. Anderson, c . c Nicklas , S. and Crawford(1994).Global Understanding:A framework for teaching and learning .Ased.Alexandria, VA.

47. Berger, Peter L. and Berger, Brigitte (1967) *Sociology: a biographical approach*, UK. Penguin Books.
48. Blak & Sharma U(2001), "Men are real women are made up Beauty Therapy and the Construction Of feminist", The Editorial Board of Sochological Review, *London Journal of Sociology*, vol 78, No 5 .
49. Durkin, Keith F. and Bryant, Clifton D. (1995) "Log on to sex": Some notes on the carnal computer and erotic cyberspace as an emerging research frontier, *Deviant Behavior: An interdisciplinary Journal*, no. 16, pp. 179-200.
50. Giddens, Anthony (1990) *the consequences of modernity*, London, Polity Press.
51. Inkeles. Alex. (1976).*Become modern. Individualchang in six developing contries*. Massachusetts; Harvard univercity press Cambridge.
52. Goffman, Erving. (1959) *The Presentation of Self in Everyday Life*. Doubleday Anchor Books New York: Doubleday & Company Inc. Garden City.
53. Goffman, Erving (1963) *Stigma: Notes on the management of spoiled identity*: Englewood Cliffs, NJ:Prentice Hall.
54. Katouzian, Homa. (2003) *Iranian history and polices (the dialectic of state and society)*, published by: Routledge.
55. Katouzian, Homa. (2004) *The short- time society: a study in The problems of Long- term political and Economic Development in IRAN*, Published in *Middle Eastern Studies*, 40, 1, January
56. Smith, A .P.(1976).*Towards a Global culture*. In M Featherstone (ed), *Global Culture: Nationalism,Globalization and Modernity*.Sage:Lindon.
57. Smith, A .P.(1990).*Towards a Global culture*. In M Featherstone (ed), *Global Culture: Nationalism,Globalization and Modernity*.Sage:Lindon.
58. Sharma, S.L. (1986).*Development socio- cultural dimensions*. Rawat publications
59. Sharma U(2001), "Men are real women are made up Beauty Therapy and the Construction Of feminist", The Editorial Board of Sochological Review, *London Journal of Sociology*, vol 78, No 5 .